

بررسی تسبیب در جرم از نگاه فقه اسلامی

مجید احمدزاده

کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکز، تهران، ایران

چکیده

هدف این پژوهش بررسی تسبیب در جرم از نگاه فقه اسلامی می باشد. این پژوهش کاربردی و از نوع توصیفی - تحلیلی می باشد که با استفاده از مطالعات کتابخانه ای و تحقیقات پیشین دیدگاه‌های فقهی و حقوقی در خصوص تسبیب در جرم از نگاه فقه اسلامی را بررسی کرده و با امعان نظر در منابع فقهی و حقوق اسلامی و همچنین بررسی قوانین مختلف موضوع تسبیب در جرم از جوانب مختلف بررسی و تحلیل می گردد.

واژه‌های کلیدی: تسبیب، فقه اسلامی، مباشرت، شرکت، اجتماع اسباب

مقدمه

تسبیب در جرایم یکی از پیچیده ترین و بحث برانگیزترین مباحث حقوقی و فقهی می باشد، که در تمامی نظام های حقوقی مطرح بوده و اختلافات بسیاری در خصوص این بحث بنیادی میان حقوقدانان وجود دارد. چالش های اساسی که در خصوص مبحث تسبیب وجود دارد، در برخی موارد آن چنان مهم و پراهمیت می باشد، که براساس نظرات مختلف، جرم بر افراد مختلفی قابل استناد بوده و افراد متفاوتی دارای مسوولیت کیفری می باشند. دلیل این پیچیدگی و دشواری بحث عمدتاً مربوط به تعیین چهارچوب (طولی) و تعدد عناوینی است، که موجب خسارت می شود چه در زمان واحد به وجود آمده باشند یا در زمان های متفاوت، و چه هر یک قابلیت ایجاد زیان نهایی را داشته باشد یا نه. ماده ۵۰۶ قانون مجازات اسلامی در تعریف تسبیب بیان می دارد که «تسبیب در جنایت آن است که کسی سبب تلف شدن یا مصدومیت دیگری را فراهم کند و خود مستقیماً مرتکب جنایت نشود به طوری که در صورت فقدان رفتار او جنایت حاصل نمی شد مانند آن که چاهی بکند و کسی در آن بیفتد و آسیب ببیند.» بنابراین تعریف، تسبیب عبارت است از «آنچه اگر نبود، تلف نیز حاصل نمی شد لیکن علت تلف، غیر از سبب است»^۱.

بررسی رابطه سببیت و همچنین مسوولیت کیفری مسبب و یا مسببین از اهمیت بسزایی برخوردار می باشد. چه اینکه اتخاذ یک رویکرد اساسی و متناسب با حالات مختلف از ضرورت های بسیار مهم می باشد. در نظام های حقوقی دنیا نظرات مختلف و نیز در برخی مواقع ترکیبی از چند نظر مورد توجه قرار گرفته است. نظام حقوقی ایران نیز مستثنی از این موضوع نبوده و بر اساس نظرات فقها و حقوقدانان رویکردهای متفاوتی در سال های اخیر اتخاذ نموده است. با توجه بر تحولات و تغییرات قانونی صورت گرفته با تصویب قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، ضروری است که این دیدگاه جدید مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته و ضعف ها و کاستی های آن مشخص و تبیین شده و در انتها بتوان به یک رویکرد اساسی و متناسب با در فقه اسلامی دست پیدا کرد.

ادبیات تحقیق

در تسبیب فقها دنبال ضابطه ای بودند که جنایت یا خسارت را به عامل آن منتسب کنند. ازاینرو، با احراز ضابطه مطروحه مذکور، سبب و سببیت هر دو اثبات می شود. به نظر میرسد، دلیل اختلاط رابطه سببیت و تسبیب در متون فقهی آن است که در حقوق اسلام مبنای مسوولیت به عنوان قاعده بر تقصیر استوار نشده و به صرف اینکه بین فعل شخص و خسارت وارده رابطه سببیت موجود باشد، برای مسئول شناختن عامل آن کفایت می کند (رستمی و همکاران، ۱۳۹۵) بنابراین، طبیعی است که فقیهان برای ح کم به ضمان، صرف رابطه سببیت بین فعل شخص و نتیجه آن را کافی بدانند. تسبیب در حقوق اسلام هم به عنوان مبنای مسوولیت و از اسباب ضمان است و هم به رابطه بین فعل واقع شده و صدمه و خسارت وارده می پردازد. پس می توان از مباحث ذیل تسبیب، به عنوان معیاری برای احراز رابطه سببیت بهره جست؛ اما در نظام حقوقی ایران که تسبیب تنها مبنای ضمان نیست بر اساس آنچه بیان شد، برای تعیین مفهوم سببیت از منظر فقهای امامیه، باید به مفهوم سبب پرداخت. سبب در اصطلاح فلسفی به امری گفته می شود که از وجودش، وجود و از عدمش عدم معلول لازم می آید. به عبارت دیگر، بین سبب و مسبب ملازمه عرفی از جهت عدمی و وجودی برقرار است. همچنین، علت در اصطلاح مذکور به امری اطلاق می شود که از حیث عدمی و وجودی با معلول ملازمه عقلی دارد. باوجوداین، چنانکه بسیاری از فقها و حقوقدانان گفته اند، در سبب معنای فلسفی و عقلی آن مراد نیست. اما در اینکه مفهوم سببیت چیست، دیدگاهها متفاوت است. در نظر بسیاری از فقهای امامیه، سبب به معنای شرط است، به این معنا که اگر نبود، خساراتی به بار نمی آمد. صاحب جواهر نیز در کتاب غصب پس از نقل تعریف های فقها از تسبیب بیان می دارد: سبب به معنای علت تامه و به معنای اصطلاحی یعنی چیزی که از وجودش وجود حاصل شود و از عدمش عدم پدید آید برحسب ذاتش نیست، بلکه مراد از آن شرط است. برخی از فقهای معاصر نیز ضمن نقد معیار اگر نبود جنایت واقع نمی شد میگویند، برای تحقق جنایت لازم است فوت مستند به فاعل آن باشد، به طوریکه سبب بر او اطلاق شود صاحب جواهر هم در کتاب دیات میپذیرد سبب وصف ایجاددی و تولیدکنندگی دارد، اما آن را شبیه شرط میبندد

۱. قیاسی، جلال الدین، تسبیب در قوانین کیفری، نشر مدین، قم، ۱۳۹۰، ص ۲۷.

که جنایت را ایجاد نمیکند، بلکه مولد آن را هرچند از طریق واسطه میآفریند. برای نمونه، شهادت دروغ که انگیزه قتل را در قاضی ایجاد می کند یا دادن غذای مسموم به مهمان که در تولید و ایجاد قتل بهصورت عرفی و نه حسی یا شرعی تأثیر دارد (محسنی و ملکوتی، ۱۳۹۴).

شاید توجه به همین ایرادها و تیزبینیها سبب شده برخی فقهای متأخر برای احراز سببیت، ضابطه عرفی معرفی کنند. برخی فقها نیز در عبارتی رسا گفتهاند: در این مقام، ملاک صدق انتساب اتلاف به اوست، گرچه تلف از طریق تسبیب باشد

نتیجه گیری

احراز رابطه سببیت بین رفتار و نتیجه مجرمانه به عنوان یکی از اجزای تشکیل دهنده عنصر مادی جنایات و نیز میان فعل زیانبار و خسارت وارد شده بهعنوان یکی از ارکان مسئولیت مدنی مبتنی بر یک الزام قانونی است؛ اما مشکل در طریقه احراز این انتساب است جمعی از فقیهان امامیه و برخی از حقوقدانان غربی معیار «اگر... نبود» را برای احراز رابطه سببیت پیشنهاد داده اند به این معنا که اگر فعل واقع شده محقق نمی شد، خسارت یا جنایت پدید نمی آمد. این ضابطه گرچه در پارهای موارد مفید است، اما برای تمام موارد دخالت عوامل متعدد راه حل ندارد و لازم است، فعل مرتکب به صورت مثبت نیز در وقوع نتیجه مؤثر بوده و آن را به وجود آورده باشد. ازاینرو، مهمترین معیار برای احراز سببیت، به باور برخی رجوع به منطوق و نظر عرف است و دکتترین حقوقی و آرای فقهی در ضابطه مند کردن طریقه احراز رابطه سببیت عرفی برآمده اند. باوجوداین، نظرات ارائه شده جامع نیستند و هرکدام گوشه ای از حقیقت را با خود به همراه دارد و تنها برای یافتن سببیت در پاره ای از فروع مفید استبه نظر میرسد، معیاری که در ماده

۵۲۶ق.م.ا در ذیل طرح اجتماع سبب و مباشر مورد تجویز قانون گذار قرار گرفته است، از جهاتی منطقی و قابل دفاع باشد. اگر این ماده عمومیت پیدا کرده و به همه حالتها اعم از تعدد مباشر و تعدد اسباب تسری یابد، ضابطه معقولی به دست خواهد آمد. راهکار تجویز شده در ماده مزبور به ویژه از آنجهت که تفاوت تأثیر رفتار مرتکبان را در پرداخت دیه مؤثر دانسته، عادلانه و منصفانه است. کاربرد این ماده به عنوان یک ضابطه واحد و سرایت آن به همه حالتها، ضمن آنکه رابطه سببیت را بهعنوان موضوعی عینی و مبتنی بر اوضاع و احوال خارجی که مستلزم جلب نظر کارشناس است، در نظر میگیرد، تشتت و پراکندگی را از میان بر میدارد.

در جوامع امروزی گزاره هایی به نام هنجار تعریف شده است که قانونگذار برای واکنش به رفتارهایی که این هنجارها را نادیده می گیرد، اقدام به جرم انگاری این رفتارها می نماید. بررسی چگونگی ایجاد این هنجارها خارج از موضوع پژوهش حاضر است اما بیشتر حقوقدانان غربی، تحت تاثیر نظریه قرارداد اجتماعی ژان ژاک روسو، معتقدند که این هنجارها با قراردادهایی اجتماعی ایجاد شده و با قراردادهای اجتماعی جدید نیز قابل جایگزینی هستند. در نظام های حقوقی سکولار امروز غربی، قانونگذار مسئول محافظت از هنجارهای جامعه است و خود دنباله رو جامعه در ارتباط با هنجارها محسوب می شود.^۲ در واقع قانونگذار در این جوامع وظیفه دارد هنجارهای مطرح در جامعه را شناسایی نموده و برای محافظت از آن ها، رفتارهای متجاوزانه به این هنجارها را جرم انگاری نماید و خود نقشی در ایجاد و معرفی هنجارها به اجتماع ندارد. بنابراین نخستین هدفی که قانونگذار در نظام های حقوقی غرب از جرم انگاری رفتارها دنبال می کند، محافظت از هنجارهایی است که آن را مورد احترام اجتماع تشخیص می دهد.^۳ در همین راستا در خصوص تسبیب نیز برای حفظ نظم و امنیت عمومی و وجود سوءنیت در مسبب جرم به جرم انگاری رفتارهای برخلاف هنجارهای جامعه و تعیین مسئولیت کیفری پرداخته شده است.

دیدگاه فقها در زمینه مسئولیت کیفری در تسبیب

تسبیب محض

منظور از انفراد سبب در ارتکاب جنایت آن است که فقط یک نفر به نحو تسبیب و با واسطه، موجبات وقوع جنایت را فراهم سازد، بدون آنکه افراد دیگری در ایجاد آن دخالت مؤثر داشته باشند که در این حالت مسوولیت به عهده مسبب جنایت می

۲. مطهری، مرتضی، انسان و اجتماع، چاپ نهم، انتشارات صدرا، قم، ۱۳۸۱، ص ۴۳.

۳. مطهری، مرتضی، جهان بینی اسلامی، چاپ چهاردهم، انتشارات صدرا، قم، ۱۳۷۴، ص ۴۵.

باشد و ظاهراً در این حکم کلی، اختلاف نظری در میان علماء وجود ندارد.^۴ اساساً دلیل ضمان سبب در فقه امامیه، عمومات قاعده «لاضرر و لا ضرر فی الاسلام»، که از قواعد معروف فقهیه و مطابق با قاعده عقلی می باشد و به موجب آن هیچ کس نباید به دیگری ضرر بزند و هیچ ضرری هم نباید جبران نشده باقی بماند، می باشد. همچنین دلیل دیگر ضمان تسبیب، روایاتی است که هر کدام از آنها در مورد خاصی وارد شده است. از جمله در مورد حفر چاه که به موجب آن، حافر چاه به خاطر صدق قاعده فوق بر عملش در قبال نتایج آن مسوول است. از جمله نصوصی که بر ضمان حافر دلالت دارند عبارتند از:

۱. در صحیح حلی از امام صادق (ع) آمده است که: «سوال کردم در مورد شیئی را که «در راه می گذارند و حیوانی از آنجا عبور می کند و صاحبش را بر اثر آن شیئی، به زمین می زند، حضرت فرمودند: «هر شیئی که در طریق مسلمین باعث ضرر شود، صاحب آن ضامن است».^۵

۲. در صحیح زراره از امام صادق (ع) آمده است: در مورد کسی که چاهی را در غیر ملک خودش حفر می کند و شخص دیگری که از آنجا عبور می کند داخل آن چاه می افتد، سوال کردم. حضرت فرمودند: «او (حافر) ضامن است زیرا هر کسی در غیر ملکش چاهی را حفر کند، ضامن است».^۶

۳. در معتبره سماعه آمده است: «سوال کردم از مردی که چاهی را در خانه یا ملکش حفر کرده است، فرمودند: آن کس که در ملک خودش چاه حفر کند، ضامن نیست. اما اگر در راه یا ملک دیگری حفر کند، ضامن هر چیزی است که در آن سقوط کند».^۷

۴. در روایت سکونی نیز به نقل از امام صادق (ع) آمده است که پیامبر (ص) فرمودند: «کسی که ناودان یا میخی را خارج کند یا افسار مرکبش را ببندد یا چاهی را حفر نماید و شخص دیگری به آنها اصابت کند و به زمین بیفتد و خسارت ببیند، مرتکب ضامن است».^۸

اجتماع سبب و مباشر

در خصوص بحث تسبیب و مباشر می توان گفت که اصولاً در باب مسئولیت مباشر و سبب دو قاعده وجود دارد که البته نسبت به کلیت و شمول آنها، ایرادهایی نیز مطرح شده است:

۱. کل ماهو مأذون فیه شرعاً فیه ضمان ما تلف لاجله: هر چیزی که انجام دادن آن از نظر شرعی مجاز و مأذون باشد هرگاه چیزی به سبب آن تلف شود، مسئولیت جنایی ندارد و ضمان آور نیست.^۹ نمونه‌هایی در تطبیق با این قاعده:

الف: اگر کسی در ملک خود، یا ملک مباح سنگی قرار دهد یا (در ملک خود یا مباح) چاهی بکند، یا میخی بکوبد، یا لغزشگاهی به وجود آورد و از این قبیل؛ (کارهایی که در ملک خود اوست «مجاز و مأذون» است، انجام دهد و منع شرعی و قانونی ندارد)، در این صورت هرگاه کسی دیگر پایش به سنگ بخورد یا در چاه بیفتد یا با میخ برخورد کند. یا پایش بلغزد و بر زمین بیفتد و مجروح یا مقتول شود، مسئولیتی متوجه آن کس یعنی چاه‌کن و سنگ گذار و... نیست و ضمانی ندارد.

ب: نصب ناودان‌ها در بیرون خانه و مشرف به راه عمومی، هرگاه زیان نداشته باشد. در صورتی که بر روی دیگری افتد و موجب هلاکت او گردد ظاهراً مسئولیت و ضمانی ندارد.

۲. کل ما هو غیر مأذون فیه فعلیه الضمان: هر چیزی که انجام دادن آن از نظر شرعی مأذون نباشد، هرگاه کسی یا چیزی به وسیله آن از میان برود، مسئولیت جنایی دارد و موجب ضمان است.^{۱۰} نمونه‌هایی در تطبیق این قاعده:

۴. نجفی، محمدحسن، پیشین، ج ۴۲، ص ۲۱.

۵. حر عاملی، وسائل الشیعه، جز ۲۹، ابواب موجبات ضمان، باب ۹، ص ۲۴۳، حدیث ۱۰.

۶. همان، جز ۲۹، ابواب موجبات ضمان، باب ۸، ص ۲۴۱، حدیث ۱.

۷. همان، جز ۲۹، ابواب ضمان، باب ۸، ص ۲۴۱، حدیث ۳.

۸. همان، جز ۲۹، ابواب موجبات ضمان، باب ۸، ص ۲۴۱، حدیث ۲.

۹. فیض، علیرضا، مقارنه و تطبیق در حقوق جزای عمومی اسلام، پیشین، ص ۳۶۲.

۱۰. همان، ص ۳۶۳.

الف: اگر کسی در راه عمومی مسلمانان، یا در ملک دیگری بدون اذن او سنگی افکند یا چاهی کند یا لغزشگاهی به وجود آورد و در این صورت پای دیگری بدان‌ها برخورد کند، یا در چاه افتد، یا بلغزد و بر زمین خورد، و مجروح شود و یا به قتل برسد، قرار دهنده‌ی این موانع مسئول و ضامن است و باید دیه جراحات، یا قتل را از مال خود بپردازد زیرا این فروض با جنایات شبه عمد انطباق پیدا می‌کند.

ب: اگر کسی در ملک دیگری، عروضاً و غضباً چاهی حفر کند و شخص ثالث، به عدوان و غضب وارد این ملک شود و در چاه افتد و مجروح یا مقتول گردد، حفر کننده‌ی چاه مسؤول و ضامن است. ج: از موارد زیان بخش (غیر مجاز) نصب ناودان‌ها در بیرون خانه و در راه عادی است به نحوی که به راه زیان برساند. در این صورت اگر موجب بروز جنایتی شود، صاحب آن مسؤول و ضامن است. د: دیگر از موارد زیان بخش به راه عمومی مسلمانان، نگاه داشتن چهارپایان است در راه و پهن کردن بساط و ریختن کالا در آن راه برای فروش، و همچنین نگه داشتن اتومبیل‌ها است در جاده و خیابان که راه عمومی است، مگر آن که برای مصلحت عبورکنندگان باشد به اندازه‌ای که سوار شدن آنان و نقل و انتقال آنان بدان وابسته است، در فروض نخستین که زیان بخش است هرگاه موجب جنایتی شوند، صاحب آن‌ها ضامن و مسؤول است و در صورت امید ضامن نیست.

اجتماع اسباب

در پاره ای اوقات دو یا چند سبب در ایجاد جنایت با هم اجتماع می‌کنند. در چنین حالتی مسأله تعیین و تشخیص سبب ضمان جهت تحمل مسؤولیت کیفری و اجرای عدالت اسلامی نسبت به مرتکب جنایت مطرح می‌شود. برای توضیح بیشتر باید گفت به طور کلی اگر سبب‌ها متعدد باشند یا در طول هم اثر می‌کنند و یا در عرض هم، اگر در عرض هم اثر کنند، حالت اشتراک در تسبیب پیش می‌آید، مانند آنکه چند نفر با شهادت دروغ خود باعث شوند قاضی، حکم به قصاص یا اجرای حد در مورد کسی را بدهد، یا آنکه چند نفر با هم، شخصی را با تهدید مجبور به ارتکاب جنایتی نمایند. اما اگر سبب‌ها در طول هم اثر کنند، حالت اجتماع اسباب پیش می‌آید. مانند اینکه کسی چاهی بکند و دیگری سنگی را بر دهانه‌ی آن قرار دهد و شخص ثالثی در آن بیفتد. چنانکه است البته به شرطی که سبب‌ها مترتب بر یکدیگر باشند؛ مثل اینکه شخصی چاهی را حفر کند (به شکل عدوانی) و دیگری سنگی را بر دهانه‌ی آن قرار دهد، اما اگر این ترتیب منتفی شد و هر دو با هم چاه را کردند و سنگ را در دهانه آن قرار دادند یا همزمان این کار را کردند، ضمان بر هر دو است.^{۱۱} به طور کلی در مورد حکم تسبیب در حالت اجتماع اسباب، نظرات مختلفی از سوی فقهای امامیه ارائه گردیده است که ذیلاً به آنها خواهیم کرد.

ضمان سبب مقدم در تأثیر

مطابق این نظریه در اجتماع دو سبب که بصورت تقدم و تأخر زمانی موجبات تلف را فراهم آورند، سببی که تأثیر آن مقدم بوده، ضامن می‌باشد. این سخن مشهور فقهای امامیه است. مثال معروفی است که در این مورد مطرح می‌شود این است که اگر کسی چاهی بکند و دیگری سنگی را بر دهانه آن قرار بدهد و شخص ثالثی به درون چاه بیفتد، قرار دهنده سنگ ضامن است. زیرا مجنی علیه ابتدا با سببی که او (واضع سنگ) ایجاد نموده است. رو به رو شده و عمل او باعث شده است که سبب دیگر (حفر چاه) نیز تأثیر کند.^{۱۲}

ضمان هر دو سبب

مرحوم محقق حلی در کتاب شرایع الاسلام پس از آنکه در مورد اجتماع در سبب، مثال معروف حفر چاه و نهادن سنگ را می‌آورد، به مثال دیگری می‌پردازد و می‌فرماید: اگر شخصی در ملک دیگری و بدون اجازه‌ی او چاهی بکند و دیگری چاقویی در ته چاه قرار دهد و کسی با افتادن در چاه بمیرد. در این مورد نیز حافر چاه ضامن است زیرا او سبب مقدم در تأثیر است ولی به دنبال آن می‌افزاید: «ولی چه بسا به ذهن خطور می‌کند که هر دو ضامن باشند زیرا تلف منحصر به یکی از آنها نبوده است».^{۱۳}

۱۱. شهید ثانی، مسالک الافهام، ج ۲، دارالهادی، قم، بی تا، ص ۲۹۴.

۱۲. همان، ص ۲۹.

۱۳. محقق حلی، المختصر المنافع فی فق الامامیه، چاپ چهارم، مطبوعات دینی، قم، بی تا، ص ۳۰۹.

صاحب جواهر(ره) در شرح این عبارت اضافه می کند: «و فرض این است که هر دو متعدی بوده‌اند و دلیلی هم بر اینکه سبق در تأثیر موجب ضمان شود نداریم همانطور که دلیلی بر ضمان سبب قوی تر (چاقو) با اینکه دیرتر اثر کرده است نداریم».^{۱۴} صاحب جواهر نظریه سبب مقدم در تأثیر را بدون دلیل می داند، ولی نهایتاً قول مشهور را انتخاب می کند و می فرماید: «حافر ضامن است زیرا اولاً استصحاب ضمانت وی را می کنیم ثانیاً چاقو را اگرچه برنده است ولی تا زمانی که کسی روی آن نیفتد، موجب مرگ نمی شود و این حفر چاه بوده که موجب سقوط بوده که موجب سقوط و افتادن بر روی چاقو شده است. پس حافر، حکم دافع در چاه را دارد یعنی حافر در حکم مباشر است و به تنهایی ضامن است».^{۱۵}

ضمان سبب مؤخر در وجود به موجب این نظریه سببی که بعداً به وجود آمده است، ضامن است. پس اگر سنگی را در معبر عموم قرار دهد و دیگری در کنار آن چاهی حفر کند، حافر ضامن است زیرا تا قبل از حفر چاه، سنگ هیچ رابطه ای با مرگ و سقوط نداشته است و این حفر چاه بوده است که از سنگ عامل خطرناکی ساخته است. حال اگر نخست چاه کنده شود و بعد سنگ را قرار دهند، قرار دهنده سنگ ضامن است. این نظریه از فاضل اصفهانی (ره) نقل شده است.^{۱۶}

ضمان سبب اقوی براساس این نظریه، همانگونه که در اجتماع سبب و مباشر، سبب اقوی از مباشر ضامن است، در اجتماع اسباب نیز سبب اقوی ضامن است. طرفداران این نظریه در توجیه و دفاع این نظریه اذعان می دارند که وقتی همه علماء و بالاتفاق در اجتماع مسبب و مباشر، مباشر را ضامن می دانند مگر آنکه سبب اقوی از مباشر باشد، پس به طریق اولی در اجتماع دو سبب، سبب اقوی، ضامن است. به عبارت دیگر، اگر اقوی بودن بتواند مسؤولیت را از مباشر برداشته و به سبب منتقل کند به طریق اولی می تواند مسؤولیت را از یک سبب ضعیف به سبب اقوی منتقل کند.^{۱۷}

برخی از حقوقدانان به این نظریه اشکال وارد کرده اند و در نقد این نظر، اظهار داشته اند: «اشکال این نظریه در آن است که مسأله را از لحاظ نظری و فقط در حالتی که یک سبب قویتر از دیگری باشد، حل کرده است اما اگر دو سبب از لحاظ تأثیر مساوی بودند حکم مسأله چیست؟ از سوی دیگر شاید بتوان ادعا نمود ضمان سبب اقوی را همه قبول دارند و بحث های مطرح شده نیز در جهت تعیین سبب اقوی است بنابراین کسی که سبب مقدم در تأثیر را ضامن دانسته است، فی الواقع آن را سبب اقوی می داند».^{۱۸}

منابع

- صانعی، پرویز، حقوق جزای عمومی، ج ۲، پیشین، ص ۱۷۸ .
قیاسی، جلال الدین، تسبیب در قوانین کیفری، پیشین، ص ۵۲.
محقق حلّی، المختصر المنافع فی فق الامامیه، چاپ چهارم، مطبوعات دینی، قم، بی تا، ص ۳۰۹
حسینی مراغی، عبدالفتاح بن علی، العناوین، موسسه النشر الاسلامی، قم، سال ۱۴۱۷ق.
الخوئی، السید ابو القاسم، مبانی تکملة المنهاج، ج ۲، مطبعة الاداب، النجف الشرف، بی تا.
رازی اصفهانی، محمدتقی بن عبدالرحیم، هدایة المسترشدين فی شرح اصول معالم الدین، ج ۲، قم، ۱۴۲۰-۱۴۲۱.
رستمی، هادی، شعبانی کندسری، هادی. (۱۳۹۵). احراز رابطه سببیت در فرض مداخله عوامل گوناگون در جنایات و خسارات مالی (با تأکید بر قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲). فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، ۴(۱۵)، ۱۴۴-۱۷۱

^{۱۴}. نجفی، محمدحسن، پیشین، ص ۱۴۷.

^{۱۵}. همان، ص ۱۴۷.

^{۱۶}. مرحوم میرزا حبیب الله رشتی در کتاب غصب (صفحه ۴۱)، این قول را به فاضل اصفهانی (ره) نسبت داده است.

^{۱۷}. صانعی، پرویز، حقوق جزای عمومی، ج ۲، پیشین، ص ۱۷۸.

^{۱۸}. قیاسی، جلال الدین، تسبیب در قوانین کیفری، پیشین، ص ۵۲.

- شهید ثانی، مسالک الافهام، ج ۲، دارالهادی، قم، بی تا.
- حر عاملی، وسائل الشیعه، جز ۲۹، ابواب موجبات ضمان، باب ۹، ص ۲۴۳، حدیث ۱۰.
- صاحب جواهر، محمد حسن بن باقر نجفی، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، دار الکتب الإسلامیة، تهران، بی تا.
- فیض، علیرضا، مقارنه و تطبیق در حقوق جزای عمومی اسلام، پیشین، ص ۳۶۲.
- طریحی، فخرالدین بن محمد، مجمع البحرین، چاپ احمد حسینی، تهران ۱۳۶۲ ش
- محسنی، فرید، ملکوتی، نصیر. (۱۳۹۴). رابطه سببیت در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲. مجله حقوقی دگستری، ۷۹(۹۱)، ۱۳۵-۱۶۰.
- نجفی، محمد حسن بن باقر، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، جلد ۳۷، دار الکتب الإسلامیة، تهران، بی تا، ص ۴۶.
- ^۱ مکارم شیرازی، ناصر، القواعد الفقهیة، جلد دوم، ص ۲۹۶